

مولوی عبدالحق در مقام بابای اردو

دکتر وفا یزدان منش^۱

(تاریخ دریافت: ۹۵/۰۲/۰۱، تاریخ پذیرش: ۹۵/۴/۱۳)

چکیده

مولوی عبدالحق فرهیخته سده نوزدهم و بیستم میلادی، در غنی‌سازی زبان اردو چهره‌ای نام‌آور است. او برای غنی‌سازی آن، ن انجمن ترقی اردو را بستر گسترش زبان اردو ساخت و با پژوهش در نسخه‌های خطی اردو در دکن و آراستن آن‌ها، بر دیرینگی زبان و ادبیات اردو، چندین سده افزود. افزون بر این، وی با ترجمه‌های متون به زبان اردو، بسیاری از واژگان و اصطلاحات علمی و مردمی را وارد این زبان کرد. هم‌چنین با تالیف و انتشار فرهنگ‌های لغت یک‌سویه و دوسویه و دست‌نویسی، گامی ارزشمند در به‌کارگیری روش‌های علمی برداشت و به‌ویژه، در گستره ادبیات به‌شخصیت‌پردازی اهمیت داد. هم‌چنین او در پاس‌داشت زبان اردو، در همه تألیفات و سخنرانی‌هایش واژه‌های ناب اردو را به‌کار می‌برد. تلاش وی برای به‌رسمیت شناختن زبان اردو به‌عنوان زبان مسلمان‌های شبه‌قاره هند تحسین‌برانگیز بوده و به پاس خدماتش نام پرشکوه «بابای اردو» را از آن خود کرد. در این جستار، نخست به معرفی عبدالحق و پسین به بررسی خدمات ارزشمند وی به زبان اردو پرداخته شده است.

واژگان کلیدی

عبدالحق، اردو، نسخه خطی، ادبیات، فرهنگ‌نویسی

مقدمه

مولوی عبدالالحق در ادبیات اردو به عنوان ادیب، منتقد، دین‌شناس، دست‌نویس، محقق، فرهنگ‌نویس، شخصیت‌پرداز، مقدمه‌نویس، نامه‌نگار، مترجم، خطیب و روزنامه‌نگار شناخته می‌شود. عبدالالحق در سال ۱۸۷۰ م. در هاپور از توابع میروت^۱ به دنیا آمد. نیاکانش هندو بودند که در پادشاهی شاه‌جهان (حک ۱۶۲۸-۱۶۵۸ ه. ق) به اسلام گرویدند. پدرش شیخ‌علی حسین کارمند اداره دارایی بود. عبدالالحق در سال ۱۸۹۴ م. دوره کارشناسی را در دانشگاه علی‌گر^۲ به پایان رسانید و از بزرگانی چون سید احمدخان (متوفی ۱۸۹۸)، الطاف حسین حالی (متوفی ۱۹۱۴) و محسن‌الملک (متوفی ۱۹۰۷) بهره‌ها برد و دانش‌ها آموخت. سپس به بمبئی رفت و دبیر نواب محسن‌الملک شد. سفر عبدالالحق به همراه کلنل افسر‌الملک به حیدرآباد دکن، سرآغاز پویش‌های علمی و ادبی‌اش بود. بازرسی مدارس، مدیریت چند کالج، ریاست مدرسه اصفیه، مترجمی در وزارت محکمه عامه (روابط عمومی وزارت کشور) و راه‌اندازی نشریه «افسر» از جمله فعالیت‌های وی در آن‌جا است. در سال ۱۹۱۲ دبیر انجمن ترقی اردو شد. در سال ۱۹۱۷ برای مدتی نظارت گروه ترجمه عثمانیه را بر عهده گرفت و در سال ۱۹۲۴ اولین مدیر «عثمانیه کالج» در

اورنگ‌آباد شد. در حیدرآباد با کوشش وی جامعه عثمانیه تاسیس شد. دوران اقامت عبدالالحق در اورنگ‌آباد، پربرترین دوره زندگی اوست.

از اواخر سال ۱۹۱۶ تا سال ۱۹۳۰، ضمن تدریس اردو در دانشگاه عثمانیه اورنگ‌آباد مدیرگروه اردو نیز بود. در سال ۱۹۳۵ به پیشنهاد کنهیا لال منشی به عضویت انجمن ادبی «اکیل باراتیا ساهیتیا» در آمد. در این انجمن ادیبان و کارشناسان زبان‌های مختلف به ادبیات و زبان‌ها شبه‌قاره هند رسیدگی می‌کردند. به پاس خدماتش به زبان اردو، در سال ۱۹۳۷، دانشگاه اله‌آباد مدرک افتخاری دکتری ادبیات را به وی اعطا کرد^۳ (اعجاز حسین، ۱۹۶۵: ۴۹۳). نیز در سال ۱۹۴۱، به پاس پویش‌هایش در زمینه زبان و ادبیات اردو، دانشگاه علی‌گر، به او دکتری افتخاری داد. با تجزیه شبه‌قاره هند به دو کشور هند و پاکستان، عبدالالحق در سال ۱۹۴۹، به پاکستان آمد و دفتر انجمن ترقی اردو را در کراچی نیز تاسیس کرد. از سال ۱۹۵۳-۱۹۵۶، با عنوان استاد افتخاری، به تدریس در دانشگاه کراچی پرداخت. در سال ۱۹۵۹، محمدایوب‌خان، رئیس‌جمهور وقت پاکستان به پاس خدمات عبدالالحق به زبان و ادبیات اردو به وی نشان «هلال قائد اعظم» را اعطا کرد. اما آنچه وی را از دیگر خدمت‌گزاران اردو متمایز می‌کند، عنوان «بابای اردو» (پدر اردو) است که از سوی مردم شبه‌قاره هند، به او داده شده که در تاریخ

1-Mirath

۲- انجمن ترقی اردو در سال ۱۹۰۳ به منظور گسترش زبان اردو با کوشش سرسید احمدخان و ریاست تامس آرنولد و دبیری شبلی نعمانی تاسیس شد.

3- Akhil Bharatiya Sahitya.

ادبیات اردو نیز به ثبت رسیده است. در حقیقت نخستین بار یکی از دانشجویان بود که عبدالحق را به هنگام سخنرانی، خطاب کرد. با انتشار این خبر در هفته‌نامه حیدرآباد، این خطاب نیز زباند مردم شبه‌قاره هند شد.

عبدالحق در طول زندگی خود چندین نشریه را انتشار داد و هم‌چنین مدیریت و سردبیری چند نشریه را برعهده داشت. از جمله: راه اندازی «اردو» (حیدرآباد ۱۹۲۱)؛ «نورس» (کالج اورنگ‌آباد ۱۹۲۵)؛ «سائنس» (اورنگ‌آباد ۱۹۲۹)؛ «هماری زبان» (اورنگ‌آباد ۱۹۳۹)؛ «قومی زبان» (کراچی ۱۹۵۰)؛ «معاشیات» (انجمن ترقی اردو ۱۹۴۶)؛ «تاریخ و سیاسیات» (کراچی ۱۹۵۱)؛ «اردو» (کراچی) و سردبیری «افسر» (حیدرآباد دکن ۱۹۰۰-۱۹۰۲). با تجزیه هندوستان، نشریه «اردو» در هند با همین عنوان و در پاکستان با عنوان «اردو ادب» به چاپ رسید. این نشریه سرمایه مهمی در زمینه چاپ مقالات پژوهشی و نقد به شمار می‌رود. مولوی عبدالحق در سال ۱۹۶۱ در کراچی از دنیا رفت و در صحن «انجمن ترقی اردو» دفن شد.

پیشینه تحقیق

بنابر شخصیت ماندگار مولوی عبدالحق در ادبیات اردو، تألیفات و مقالات بسیاری درباره وی و آثار و خدماتش با عناوین مختلف به چاپ رسیده‌است. اما در زبان فارسی تنها یک مقاله و آن هم در ایران‌شناسی در پاکستان، با عنوان

مولوی عبدالحق «بابای اردو» در نشریه وحید شماره ۳۸، بهمن ۱۳۴۵ به چاپ رسیده است.

خدمات علمی عبدالحق برای زبان اردو

عبدالحق تا سال ۱۹۳۶ در ترویج زبان اردو رویکرد سیاسی نداشت، ولی پس از یک رویداد در این سال، برای حمایت از زبان اردو با اندیشه سیاسی، تدبیرانه عمل کرد و فعالیت‌های خود را انسجام داد. در سال ۱۹۳۶ در نشست «اکهل بهارتیه ساهیته» در ناگپور که به ریاست ماهاتما گاندی (مقتول ۱۹۴۸) برگزار شد؛ عبدالحق برای زبان اردو، عنوان «اردو» و گاندی عنوان «هندوستانی» را مطرح کرد. سرانجام تصمیم بر آن شد زبانی که در نگارش دیوناگری نوشته می‌شود «هندی» و زبانی که در خط نستعلیق نوشته می‌شود «اردو» نامیده شود. پیامد این نشست از سرگیری اختلافات بر سر دو زبان و کنفرانس سه روزه اردو در علی‌گر بود. «از این پس عبدالحق دو هدف در پیش‌رو داشت: خدمت به دانش و فن و دیگری حفظ زبان اردو که با اوج‌گیری اختلافات بر سر دو زبان، عبدالحق از کمیته ساهیته استعفا داد. البته در سال ۱۹۴۴ گاندی در یک سخنرانی در ناگپور، از عبدالحق دلجویی کرد و وی را ستود.» (حبیب خان، ۱۹۹۲: ۷۴، ۷۷، ۸۰).

این‌گونه به نظر می‌رسد عبدالحق فقط تا مرز پاسداری از زبان مسلمان‌های شبه‌قاره هند پیش رفت و وی از چالش مرزبندی جغرافیای

سیاسی و دینی فاصله می‌گرفت، زیرا: «در سال ۱۹۳۷ بیانیه مشترکی میان دکتر راجندر پراشاد و عبدالحق منتشر شد که در آن برای حل اختلاف مسأله اردو و هندی، توافق شد که زبان هندی و اردو هر دو به رسمیت شناخته شوند و با تلاش و پویش ادیبان و دانشمندان، فرهنگ واژگانی علمی تهیه شود که در آن ملاک انتخاب، واژه‌های زبان روزمره باشد.» (زاهدی، ۲۰۰۲: ۱۹۱). و هم‌چنین به این دلیل که «عبدالحق بر این باور بود که زبان اردو می‌تواند موجب اتحاد مردم شبه‌قاره هند اعم از مسلمان و هندو باشد. به باور وی زبان از دایره سیاست خارج است، که پس از تجزیه شبه‌قاره هند، فعالیت‌های وی در دو کشور هند و پاکستان نیز گویای این است (شجاع احمد، ۱۹۹۲: ۱۴۴).

خواسته عبدالحق تحقق‌بخشیدن به زبان اردو و ارتقای آن تا سطح زبان علمی بود و در این راستا تمام سعی خود را به کار گرفت، زیرا وی پیشرفت زبان را باعث پیشرفت اندیشه، ملت و انسانیت می‌دانست. فعالیت وی در «انجمن ترقی اردو» به قدری چشمگیر بوده که به جرأت می‌توان گفت در تاریخ ادبیات اردو بی‌نظیر بوده است.

عبدالحق و انجمن ترقی اردو

عبدالحق در سال ۱۹۱۲ انجمن ترقی اردو را از علی‌گر به اورنگ‌آباد دکن انتقال داد. همین‌جا نقطه عطف توجه عبدالحق به زبان و ادبیات اردو محسوب می‌شود. وی با گردآوری

اعانه از دوستان، آشنایان و صاحب‌منصبان و دریافت نقدینه از فرمانروای حیدرآباد، به وضعیت نابسامان انجمن سروسامانی داد. پس از آن حدود ۲۵ سال در اورنگ‌آباد در شهرها و بخش‌های مختلف مانند بوپال، کانپور، لکنو دفترهای انجمن را تأسیس کرد.

عبدالحق خود نیز طی سخنرانی‌های خود، اهداف و چارچوب‌های کنش‌گری اعضای این انجمن را این‌گونه بیان و ترسیم می‌کند: «تأسیس مکتب‌های اردو؛ تأسیس مدارس شبانه برای بزرگسالان، آگاه کردن مردم نسبت به اهمیت زبان اردو، انتشار مطبوعات، تأسیس کتابخانه در مکان‌های مختلف، برگزاری نشست‌های ادبی، برپایی سرای محله در مناطق مختلف با محوریت آموزش زبان اردو، آماده‌سازی مدارس و مکتب‌ها به منظور بستری برای آموزش زبان اردو، تشویق نویسندگان خبره در مناطق مختلف، تلاش برای ترویج زبان اردو در دادگاه‌ها و دفترهایی دیوانی، تدابیر مناسب برای توسعه و حمایت از زبان اردو.» (عبدالحق، ۱۹۵۲، ص ۱۴۵).

هاشمی فریدآبادی ضمن تأیید تحقق‌بخشیدن عبدالحق به اهدافش در انجمن بر این باور است که عبدالحق بر دفتر انجمن نظارت کامل داشت و انتقال دفتر به اورنگ‌آباد تدبیر خردمندانه وی بود: «با این انتقال، انجمن از نظارت کنگره علی‌گر خارج شد و به صورت اداره‌ای مستقل

درآمد، کتاب‌های بسیاری به اردو چاپ شدند؛ فصل‌نامه‌های «اردو» و «سائنس» به چاپ می‌رسیدند. نیز چاپخانه اردو تأسیس شد، حدود ۴۰ کتابخانه و موسسه آموزشی راه‌اندازی شدند» (هاشمی فرید آبادی، ۱۹۸۷: ۵۶). نهضت سوادآموزی از دیگر نمودهای این انجمن است. با همت این انجمن به نظارت عبدالحق در ناگپور مسیحی‌ها و حتی کشیش‌ها به یادگیری زبان اردو علاقه‌مند شدند.

تلاش بی‌دریغ عبدالحق برای رواج زبان اردو هم‌چنان جریان داشت تا جایی که در انجمن مجالس سخنرانی به زبان اردو انجام می‌شد. هم‌چنین در این دفتر با ریاست وی کتاب‌هایی به زبان عربی، فارسی، سنسکریت، فرانسه، آلمانی و انگلیسی در موضوعات مختلفی چون فلسفه، آموزش، تاریخ، اقتصاد و بهداشت به زبان اردو ترجمه شد.

اما بعد از نشست سال ۱۹۳۶ با مهاتما گاندی، گویا عبدالحق مسئولیت خود را در قبال اردو دوچند دانست. وی که سال‌ها انجمن ترقی اردو را به عنوان فضای مناسب برای پیشرفت زبان اردو رونق داده بود؛ انتقال آن را به شهر دیگر در اولویت قرار داد: «اجلاس هندی ساهتیبه پریش در سال ۱۹۳۶، سرآغاز کشمکش بین زبان‌های هندی و اردو شد. عبدالحق شتابان طی اجلاسی سه روزه «آل اندیا اردو» (اردوی سراسری هند) در علی‌گر پیشنهادهای خود را مطرح کرد و برای پاسداری از زبان اردو، طرح انتقال دفتر اصلی

انجمن ترقی اردو را به دهلی به تصویب رساند.» (ثاقب، ۱۹۸۵: ۳۵-۳۶). پافشاری و دور اندیشی عبدالحق تا جایی بود که وی در همان سال، دیگر دبستگی‌های شخصی و فعالیت‌های علمی و ادبی خود را در جامعه عثمانیه رها کرده و در سال ۱۹۳۸ دفتر انجمن را به دهلی برد: «در این جلسه برای حفظ موقعیت و حمایت از زبان اردو پیشنهاد شد که دفتر انجمن به لاهور یا علی‌گر منتقل شود، اما عبدالحق بنابر اقتضای سیاسی کشور، دهلی را انتخاب کرد و دفتر انجمن به آن جا منتقل شد.» (بتالوی، ۲۰۰۲: ۱۵۹).

پس از آن بود که عبدالحق، در سال ۱۹۴۹ دفتر انجمن ترقی اردو را در کراچی راه انداخت و در مقاطع مختلف ریاست آن را به عهده گرفت. در مجموع عبدالحق ۵۰ سال دبیر انجمن ترقی اردو در هند و پاکستان بود و در سال ۱۹۵۹ نخست وزیر وقت پاکستان، محمد ایوب خان اختیار تام دفتر را به وی داد.

بدین ترتیب به‌صدق گفته عبدالحق که «من تمام فعالیت‌های روزمره و اجتماعی خود را به‌منظور توجه ویژه به انجمن ترقی اردو متوقف می‌کنم و تمام همت، نیرو و سرمایه خود را وقف انجمن می‌کنم.» (عبدالحق، ۱۹۷۶: ۸۸) پی می‌بریم زیرا این توجه در عملکرد و نظارتش در انجمن مشهود است.

بایسته یادآوری است که گفته می‌شود به علاوه پاکستان و هندوستان، در بنگلادش و کانادا دفاتر انجمن تأسیس شدند.

مراکز علمی و دانشگاه‌ها

در گستره دانشگاه‌ها، خدمات و تلاش عبدالحق برای زبان اردو در دو جهت جریان داشت: اهمیت دادن به زبان اردو برای تدریس و رواج آن در آن مراکز؛ تأسیس دانشکده و دانشگاه اردو. عبدالحق در ضمن تلاش برای اجرای زبان اردو به عنوان زبان تدریس، - که نمونه آشکار آن اجرای زبان اردو به عنوان زبان آموزش در حیدرآباد دکن بود - تدریس به زبان انگلیسی را سبب آسیب‌رسانی به شکوفایی استعداد زبان می‌دانست.

آنچه نظر عبدالحق را به سوی خود جلب کرد و حتی باعث رنجش وی شد؛ امتحان زبان و ادبیات اردو به زبان انگلیسی در دانشگاه پنجاب بود (عبدالحق، ۱۹۵۲: ۲۱۵-۲۱۶). این کار در نظر وی غیر منطقی بود. تا جایی که وی برآن بود که تدریس علوم و ادبیات غربی به جای زبان انگلیسی به زبان اردو انجام شود.

عبدالحق همواره در سخنرانی‌ها و نامه‌هایش به تأسیس دانشگاه اردو توصیه می‌کرد. از جمله سخنرانی وی در سال ۱۹۴۰ در ناگپور و نامه وی به تسلیم مشفق در راستای تأسیس دانشگاه اردو است: «کار را در ایالت سرحد فوری آغاز کنید. آنجا ظرفیت این اقدام را دارد، امداد رسانی نیز به خوبی صورت خواهد گرفت. این امر را در اولویت قرار دهید.» (عبدالحق، ۱۹۷۶: ۸۱)

این تلاش وی به هنگامی دنبال می‌شد که

زبان انگلیسی زبان آموزشی مراکز علمی، از جمله دانشگاه‌ها بود و مورد استقبال روزافزون اهالی شبه‌قاره هند به ویژه روشنفکران و تحصیل کرده‌ها قرار می‌گرفت. در این زمان عبدالحق تدریس علوم و فنون جدید را به زبان اردو در دهلی کالج پیشنهاد داد. «باتلاش عبدالحق، جامعه عثمانیه با هدف اثبات شایستگی زبان اردو برای تدریس، تأسیس شد.» (ثاقب، ۱۹۸۵: ۳۳)

به کوشش عبدالحق در سال ۱۹۶۰ اردو کالج در کراچی پایه‌گذاری شد. در این کالج تمام دروس به زبان اردو تدریس می‌شد و تا به یک دهه بعد از تأسیس، گروه‌های مختلفی مانند هنر، علوم، بازرگانی، گیاه‌شناسی و حقوق در آن افتتاح شد. تأسیس «اردو یونیورسٹی» (دانشگاه اردو) نیز نتیجه تلاش و مذاکرات عبدالحق انجامید.

نگاهی به آثار ادبی عبدالحق

تألیفات عبدالحق از چند جهت سبب شکوفایی زبان و ادبیات اردو شد که به طور عمده به سه دسته تقسیم می‌شوند: ادبیات، زبان‌شناسی، تدوین نسخه‌های خطی.

ادبی: عبدالحق از همان دوره کارشناسی‌ارشد به ادبیات علاقه‌مند بود و در ابتدا با راهنمایی آرنلد (متوفی ۱۹۴۹) قلم‌زنی در موضوعات ادبی را آغاز کرد و مقالات خود را در نشریه‌های مختلف به چاپ رساند.

چند هم عصر (۱۹۴۵): عبدالحق

شخصیت‌پردازی یا مرقع‌کشی را که در اردو به آن «خاکه‌نگاری» گفته می‌شود، به‌عنوان گونه ادبی ارائه داد. پیش از این، در همگی تذکره‌ها اطلاعاتی، هرچند کوتاه از شخصیت‌های ادبی بازتاب داده می‌شد که بیشتر این داده‌های کوتاه، رسانای آگاهی بسنده برای شناخت پژوهشگران نبود. ولی عبدالحق به شکل منسجم با نگارش ادبی و دلنشین ابعاد شخصیتی بیست‌وسه معاصر مورد نظر و کاملاً نزدیکش را به قلم کشید که مجموعه‌ای از آن‌ها با عنوان چند هم‌عصر به چاپ رسید. چند هم‌عصر از سویی اطلاعاتی درباره شخصیت‌هایی چون الطاف حسین حالی، سرسید احمدخان، حسرت موهانی (متوفی ۱۹۵۱) و مولوی چراغ‌علی (متوفی ۱۸۹۵) به‌خواننده می‌دهد؛ از سویی با بیانی شیوا، شیرین و مسرت‌بخش، با واژگان خالص اردو، آرایه‌های ادبی، مطایبه و میانه‌روی در معرفی شخصیت‌تأثیر خوشانیدی به جای می‌گذارد.

نامه‌نگاری: عبدالحق با انگیزه خدمت به‌زبان اردو، بخش مهمی از زندگی خود را در سفر گذرانیده و یا در شهرهای مختلف اقامت داشته‌است. نامه‌های وی به‌مشاهیر علم و ادب و سیاست، چون سرسید احمدخان، عمادالملک، آل‌احمد سرور (متوفی ۲۰۰۲)، عبدالله چغتائی و محمدمام امامی نیز بیانگر دلسوزی وی برای رونق‌افزایی زبان اردوست. صرف‌نظر از درون‌مایه این نامه‌ها، زبان در این نامه‌ها ساده، روان و

دلنشین است و گاهی آرایه‌های ادبی چون تمثیل، استعاره و ضرب‌المثل به زیبایی آن‌ها می‌افزاید. مجموعه این نامه‌ها در جلد‌های مختلف به‌چاپ رسیده است. بنگریم به نمونه‌ای از نامه وی به‌حسام‌الدین راشدی در تاریخ ۳ ژوئن ۱۹۴۳: «حتم دارم که زمستان را به کراچی بیایم. کاری به‌جا و ماندگار برای اردو دارم. افزون بر کراچی، می‌خواهم به مناطق دیگر سند نیز سفری داشته‌باشم. کراچی را مرکز علمی قرار می‌دهم. برآنم آن را جامه عمل بپوشانم، برای رسیدن به این هدف، یاری‌گری و رایزنی شما، آقای راشدی و دیگر پشتیبانان زبان اردو را نیازمندم.» (عبدالحق، ۱۹۶۵: ۷)

خطبه‌های عبدالحق (در دوجلد: دهلی ۱۹۳۹، ۱۹۴۴): عبدالحق در سخنرانی‌هایش زبان را جزو مهم زندگی برمی‌شمارد، از این‌رو محور اصلی خطبه‌هایش، ارزش‌نهادن به زبان اردو و افزایش دانش و آگاهی مردم نسبت به آن است. وی در این خطبه‌ها به‌ابعاد مختلف زبان اردو اشاره دارد: تاریخچه، زیرساخت و ارتقا، نقش سازمان‌ها در ارتقای آن، رابطه جامعه با زبان، شعور تاریخی زبان و ادبیات، ارزیابی عناصر فارسی و عربی در زبان اردو، شکل‌گیری شعر و نثر اردو، مسائل مهم نقد و اسلوب، سرمایه فرهنگی و ملی زبان، نقش زبان و ملیت، رابطه میان واژه و معنا، زبان و زنان، زبان و سیاست، مشتقات زبان.

این خطبه‌ها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف

ایراد شده است و با وجود زبان ساده، شیوا، رسا و عامیانه موضوع عالمانه و ارزش ادبی دارند و از آن‌ها می‌توان به شخصیت راسخ و اراده قوی و هم‌چنین عشق وی به زبان اردو پی‌برد. در تاریخ ادبیات اردو، فزونی از خطبه‌های شخصیت‌های مختلف وجود دارد، ولی هریک از خطبه‌های عبدالحق تصویری از عشق وی را به زبان اردو نشان می‌دهد: «خطبه‌هایی از افراد نامور مانند اقبال و سلیمان ندوی موجودند که مخاطب آن‌ها تمام مسلمانان جهانند و بعد ادبی آن نسبت به خطبه‌های عبدالحق کمتر است. اگرچه خطبه‌های عبدالحق موضوعات سیاسی، اقتصادی و ملی را نیز دربردارد. ولی بعد زبانی و ادبیاتی آن بسیار قوی است. قلم ساده مولوی ویژگی منحصر به فردی در آن‌ها به وجود آورده که در تاریخ ادبیات اردو شاهکارند.» (فتح‌پوری، ۲۰۰۲: ۱۶۶-۱۶۷). خطبه‌های عبدالحق در دو جلد (۱۹۳۹، ۱۹۴۴) در «انجمن ترقی اردو» دهلی به چاپ رسید. نمونه‌ای از تأکید وی بر زبان:

«زبان را ناچیز نشمارید، زبان نیرویی قوی است که پشتوانه محکمی چون فرهنگ و تمدن دارد. سیاست، دین و پیشرفت ما بستگی به فرهنگ و تمدن دارد. اگر به زبان، از بدو تولدش تا عروجش، بنگریم، به این نتیجه می‌رسیم که راز پیشرفت انسان در زبان نهفته است. علم قدرتمند است، ولی قدرتمندی آن به واسطه زبان است.» (عبدالحق، ۱۹۵۲: ۱۴۵). عبدالحق در این خطبه‌ها بیان خود را با روش استدلال

شفاف‌سازی می‌کند.

مرحوم دلی کالج (اورنگ‌آباد ۱۹۴۵): عبدالحق ضمن معرفی و شرح کاملی درباره «دلی کالج» (دانشکده دلی)، وسعت زبان اردو و توانایی آن را برای آموزش عالی، نظام و امکانات آموزشی، خدمات علمی و فهرست تألیفات و ترجمه‌های دانشکده را بیان می‌کند.

زبان‌شناسی

در زمینه زبان‌شناختی عبدالحق در گردآوری فرهنگ لغت و دستورنویسی آثاری ارزشمند برجای گذاشت:

فرهنگ لغت: عبدالحق مدیریت ترجمه فرهنگ Concise oxford Dictionary را به اردو آغاز کرد و اولین بار آن را در اورنگ‌آباد (۱۹۳۷) با عنوان انگریزی اردو لغت (واژه‌نامه دوسویۀ انگلیسی - اردو) The standard En-glish Urdu dictionary به چاپ رسانید. در این فرهنگ، حدود دویست هزار واژه و اصطلاحات روزمره انگلیسی به اردو ترجمه شد. عبدالحق مدیر نخستین مجموعه بود و افرادی چون سید وهاج‌الدین شمیم، مولوی محمدحسین محوی، عزیزالرحمن و یوسف‌حسین‌خان با وی در این گردآوری همکاری داشتند. «این فرهنگ در شمار فرهنگ‌های مستند انگلیسی - اردو قرار گرفت و توانست در کشورهای دیگر نیز مقبولیت کسب کند» (ثاقب، ۱۹۸۵: ۶۳ ۶۴). در این فرهنگ‌ها، معادل‌سازی واژه و زبان روزمره انگلیسی به اردو

با تحقیق و تفحص انجامیده است که در نتیجه آن دامنه زبان اردو گسترده شده و محاورات زیادی به فرهنگ عامه افزوده شده است.

عبدالحق در زمان اقامتش در جنوب هند، با تأسیس دفتر فرهنگ اردو در حیدرآباد، اقدام به گردآوری واژه‌نامه یک‌سویه زبان اردو با عنوان «لغت کبیر» کرد. بیش از این فرهنگ آصفیه از احمد دهلوی، نوراللغات از نورالحسن نیر و یک جلد از امیر اللغات از امیرمینایی در زمینه واژگان زبان اردو به چاپ رسیده بود، ولی عبدالحق آماده‌سازی مجموعه کامل‌تر از آن‌ها را نظر داشت. بدین منظور در شورایی، عبدالحق با همکاری عبدالستار صدیقی، پندیت کیفی و سیدهاشمی فریدآبادی تحقیق خود را برای تهیه فرهنگ جامع یک‌سویه در سال ۱۹۳۱ آغاز کرد. کار علمی در حال انجام بود که آشوب دهلی سرگرفت و دفتر «انجمن ترقی اردو» و به‌دنبال آن «فرهنگ لغت» نیز نابود شد. با سکونت عبدالحق در سال ۱۹۵۸ در کراچی، حکومت پاکستان به‌منظور تألیف فرهنگ لغت «اردو بورڈ» (کرسی اردو) با مدیریت وی را تأسیس کرد. به‌سبب عدم امکانات، عبدالحق در سال ۱۹۶۱ از مدیریت این مرکز استعفا داد. اردو لغت اکنون در ۲۲ مجلد منتشر شده است؛ جلد اول آن در سال ۱۹۷۷ با مقدمه عبدالحق به‌چاپ رسید که در آن نگاهی به‌روند و نیز نیاز به‌لغت‌نویسی و توضیحی بر روش صحیح آن دارد. این فرهنگ تمامی واژه‌های موجود در

متون ادبی و غیرادبی اردو و کاربرد آن در مناطق مختلف را در بردارد و تاکنون کامل و علمی‌ترین فرهنگ اردوی تک‌زبانه شناخته شده است. اگر چه عبدالحق همکاری خود را با کرسی اردو ادامه نداد، ولی پایه‌گذار آن محسوب می‌شود. این فرهنگ با عنوان پیشین خود «لغت» کبیر نیز مشهور است. ساختار زبان، مشتقات هر واژه، رابطه آن با واژه‌های زبان‌های دیگر، تغییرات آن در بستر زمان، تعریف کامل حروف از ویژگی‌های آن است.

عبدالحق افزون بر فرهنگ‌نویسی برای ترجمه علوم، فنون و برابرسازی اصطلاحات در زبان اردو کمیته‌ای تشکیل داد و با همکاری دانشمندانی چون وحیدالدین سلیم و مولوی ظفرالرحمان اصطلاحات تخصصی مربوط به هر پیشه را در جلد‌های مختلف به چاپ رسانید. تأکید وی بر اصطلاح‌سازی علمی در اردو این بود که این زبان به‌حدی غنی شود که بتواند تمامی علوم و فنون روز را بیان کند و توانایی ترجمه از زبان‌های دیگر را داشته باشد. این روند تا پس از تشکیل پاکستان ادامه داشت، که برخی از این آثارند: اصطلاحات عمرانیات (۱۹۲۵)؛ اصطلاحات طبیعیات (۱۹۲۵)؛ اصطلاحات علمیه (حسه دوم) (۱۹۴۰)؛ اصطلاحات علم هیأت (۱۹۴۹)؛ اصطلاحات جغرافیه (۱۹۴۹)؛ اصطلاحات بینگاری (بانک‌داری و تجارت) (۱۹۵۱)؛ اصطلاحات کیمیا (۱۹۵۳)؛ مصطلحات علوم و فنون عربیه (۱۹۷۶-۱۹۷۸). این نوع

فرهنگ‌ها در انجمن ترقی اردو و جامعه عثمانیه با نظارت عبدالحق گردآوری شد. «ضمن معادل‌سازی واژه و عبارات تخصصی، عبدالحق برآن بود که مختصرترین و جامع‌ترین واژه و عبارات اردو را در معادل‌سازی گزینش کند. اولویت عبدالحق در انتخاب اصطلاح اردو بود، اما در صورت مطلوب و متداول بودن اصطلاح در زبان اردو، مجوز استفاده مستقیم از واژگان زبان‌های دیگر را در اولیت دوم قرار می‌داد، هم‌چنین ترکیب‌سازی تلفیقی اردو با واژه‌های زبان‌هایی چون فارسی، عربی و یا هندی در صورت مطلوب و مانوس بودن داده می‌شد. وی گزینه دیگری را هم در صورت عدم دسترسی به معادل اردو، بهترین جایگزین می‌دانست و آن کاربری از آن دسته واژگان هندی، هرچند که نامتداول بود. وی در صورتی که واژه یا اصطلاح انگلیسی به نام مخترع آن ثبت شده باشد را بهتر می‌دانست که به همان صورت در زبان اردو وارد شود.» (درانی، ۲۰۰۳: ۴۷، ۴۹).

دستورنویسی: عبدالحق شناخت زبان مادری و آموزش آن را سبب رشد ملت و در این راستا دستورنویسی را سبب پیشرفت زبان اردو می‌دانست. پیش از این اروپایی‌ها برای یادگیری زبان اردو به تألیف دستورزبان اردو و آواهای آن زبان پرداختند. انشالله‌خان‌انشاء، پژوهشگر شبه‌قاره هند بود که دستورزبان اردو را در زبان فارسی در سال ۱۸۰۷ با عنوان دریای لطافت (مرشدآباد ۱۸۴۸) نگاشت. عبدالحق با

احساس نیاز به دستور زبان با روشی نو و علمی‌تر، تلفیقی از روش دستورنویسی عربی، سانسکریت و انگلیسی را در دستور زبان اردو اجرا کرد و قواعد اردو (لکهنو ۱۹۱۴) را به چاپ رساند. وی در این تألیف به مباحثی چون ساختار هجا، صرف و نحو، مشتقات، ترکیب‌ها و عروض می‌پردازد و جنسیت اسامی زبان اردو را قانونمند می‌سازد. وی در مواردی صاحب‌نظری نو می‌شود و آرایش تازه‌ای به عناصر دستوری داده است. این کتاب با تجدید چاپ‌هایی که داشته، اکنون نیز از منابع پربسامد زبان اردو به شمار می‌رود. اردو صرف و نحو (اورنگ‌آباد ۱۹۳۴) نیز تألیف دیگر وی در زمینه دستورزبان اردوست.

اردو بحیثیت ذریعه تعلیم سائنس (۱۹۵۱): تألیف دیگر عبدالحق برای تأکید بر زبان اردو به عنوان زبان تدریس در موضوعات علمی است. دغدغه فکری وی این بود که زبان اردو، مانند زبان‌های کشورهای دیگر، برای تدریس علوم به کار رود، زیرا در غیر این صورت تفکر و ذهن علمی آسیب می‌بیند.

اردو کی ابتدائی نشوونما می‌«صوفیا» کرام کاحصه (سهم صوفیای گرام در رشد ابتدایی اردو) (اورنگ‌آباد ۱۹۵۳): این اثر ضمن مختصری از شرح حال و آثار سی‌وشش صوفی شبه‌قاره، به تأثیر و نقش آن‌ها در شکل‌گیری و ارتقای زبان اردو می‌پردازد. به گفته عبدالحق صوفی‌ها زبان عامه مردم شبه‌قاره هند را برای تبلیغ اسلام برگزیدند. این تألیف از یک‌سو سیرت، تذکر و

تحقیق را دربردارد و از سوی دیگر نگاهی بر قدمت زبان اردو و بررسی آن دارد.

مقدمات عبدالحق

عبدالحق مقدمه‌نویسی را به شکل علمی ارائه داد، تا جایی که وی را اولین مقدمه‌نویس در اردو گفته‌اند. بسیاری از آن‌ها که شمارشان بیش از پنجاه است، مقدمه‌های تدوین نسخه‌های خطی چون تذکره‌ها، دیوان‌ها، کتاب‌های تاریخی، تألیفات مربوط به زبان‌شناسی و داستان‌هایی‌اند که از آن جمله‌اند مقدمه‌های: باغ و بهار؛ نکات الشعراء؛ تذکره ریخته‌گویان؛ سب رس؛ دیوان اثر. مقدمات عبدالحق نخستین بار توسط میرزا محمد بیگدر در دو جلد (حیدرآباد ۱۹۳۱؛ اورنگ آباد ۱۹۳۱) و سپس توسط عبادت بریلوی در یک جلدی گردآوری و در کراچی به چاپ رسید.

عبدالحق در مقدمه اثر به معرفی کامل نویسنده یا شاعر، معرفی آن اثر و ویژگی‌هایش، تعیین ارزش ادبی آن و پیشینه آن موضوع می‌پردازد. برای نمونه در مقدمه قواعد اردو به تاریخ دستور نویسی اردو اشاره کرده است.

مره‌تی زبان پر فارسی کا اثر (۱۹۳۳):
عبدالحق همواره به اهمیت زبان فارسی و نقش آن در زبان و گویش‌های شبه‌قاره هند به‌ویژه زبان اردو اعتراف کرده و تحقیقاتی نیز انجام داده است. تألیف مذکور نمونه‌ای از آن است. وی در این جازمن اشاره به اهمیت زبان فارسی، چندین عامل را سبب وام‌گیری زبان اردو از

زبان فارسی آورده است: در چندین سده، فارسی زبان رسمی دکن بوده و بسیاری از واژگان و عبارات زبان فارسی وارد زبان مردم آن منطقه من جمله مرهتی شده است. بسیاری از هندویان با گرویدن به دین اسلام و یا در اثر ارتباط و مجالست با مسلمانان، در گفتار مرهتی خود واژه‌های فارسی و عربی را آمیختند. هم‌چنین وصلت خویشاوندی هندو و مسلمان‌ها؛ متدوال شدن صنعت‌هایی که به‌وسیله مسلمان‌ها وارد منطقه شد؛ لازمه راه‌یابی به استخدام در ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی، آشنایی با زبان فارسی؛ به‌کاربردن واژه‌ها و زبان‌زدهای فارسی توسط صوفیان برای تبلیغ دین در منطقه را عبدالحق از دیگر اسباب تأثیر زبان فارسی در زبان مرهتی دانسته است. بنابر پژوهش عبدالحق، واژه‌های فارسی و عربی به کار رفته در زبان مرهتی، با زبان مبدا خود تمایز معنایی دارند. این کتاب ابتدا در سال ۱۹۲۱ به صورت مقاله و سپس در سال ۱۹۳۳ به شکل کتاب در انجمن ترقی اردو در اورنگ‌آباد به چاپ رسید.

تدوین نسخه‌های خطی

عبدالحق با پژوهش در نسخه‌های خطی و تدوین آن‌ها، سرمایه‌ای بی‌نظیر به زبان و ادبیات اردو افزود. بخش عمده آن در زمان اقامتش در جنوب هند مربوط به دست‌نوشته‌های دکن است که تحولی در ادبیات اردو به‌وجود آورد و سبب رد نظریه‌های پیشین شد. «اولین مقاله

عبدالحق درباره شعر محمد قلی قطب‌شاه در سال ۱۹۲۲ در مجله اردو به‌چاپ رسید. بعد از آن وی پژوهش خود را در زمینه ادبیات دکنی دنبال کرد» (صدیقی، شمس‌الدین، ۱۹۷۲: ۱۸۳). و این چنین وی در رد نظریه مشهور محمدحسین آزاد که ولی دکنی نخستین شاعر اردوست و به‌وی لقب باوا آدم در شعر اردو را می‌دهد؛ محمدقلی قطب‌شاه را نخستین شاعر اردو معرفی می‌کند. (شازیه عنبرین، ۲۰۰۳: ۵۸).

پیش از این، ادبیات اردو در دکن کاملاً ناشناخته بود. عبدالحق نخستین بار نسخه‌های خطی دواوین شعر کلاسیک، تذکره‌ها و متون نثری ادبیات دکن را شناسایی و با مقدمه مفصلی به چاپ رسانید. این گردآوری با وسواس و دقت انجامید و عبدالحق با قیاس نسخه‌های مختلف، نسخه نهایی را ارائه داد. چه، خوانش و تشخیص مفهومی نسخ دکنی و بررسی خط و تعیین قدمت آن‌ها دشوار است. نمونه آن گردآوری تذکره هندی (اورنگ‌آباد: ۱۹۲۲) از مصحفی؛ ذکر میر (اورنگ‌آباد: ۱۹۲۸) از میر تقی میر؛ چمنستان شعرا (اورنگ‌آباد: ۱۹۲۸) از شفیق اورنگ‌آبادی؛ مخزن نکات (اورنگ‌آباد: ۱۹۲۹) از قائم چاندپوری؛ سب رس (اورنگ‌آباد: ۱۹۳۳) و قطب مشتری (۱۹۳۹) از ملاوجهی؛ گلشن عشق (۱۹۵۲) و علی‌نامه (۱۹۵۲) از نصرتی؛ دیوان اثر (علی‌گر: ۱۹۳۰) از میر اثر؛ دیوان تابان دهلوی (۱۹۳۵)؛ معراج العاشقین (حیدرآباد دکن: ۱۹۲۴) از بنده‌نواز گیسو دراز.

عبدالحق ثابت کرد زبان دکنی همان اردوی رایج در زمان خود است. نیز در مقدمه قطب مشتری، در بخش فرهنگنامه، واژگان منسوخ دکنی را شناسایی می‌کند. «پیش از این شناخت در زمینه ادبیات دکن محدود به شعر ولی دکنی و تذکره شعرای عبدالجبار خان ملکاپور بود. عبدالحق اولین معمار ادبیات اردوی دکنی محسوب می‌شود» (هاشمی، ۲۰۰۳: ۶۲۳). عبدالحق با تحقیق و نقد خود ثابت کرد که دکن مهد قدیمی اردوست.

از دیگر گردآوری این نسخه‌ها در زمینه داستان، زندگی‌نامه، تصوف و زبان‌شناسی؛ گلشن هند از میرزاعلی لطف؛ تذکره هندی (۱۹۳۳) و تذکره عقد ثریا (۱۹۳۴) و ریاض الفصحا (۱۹۳۴) از مصحفی؛ ذکر میر (۱۹۲۶)؛ نکات الشعرا (اورنگ‌آباد: ۱۹۳۵) از میر تقی میر. دریائے لطافت (تألیف: ۱۸۰۷) از انشالله‌خان انشا.

«عبدالحق در ادبیات اردو تحقیق ادبی را بنیان نهاد» (ثاقب، ۱۹۸۵: ۴۱). در تاریخ ادبیات اردو مشهور است که عبدالحق با معرفی آثار قدیم اردو چند سده به‌عمر زبان اردو افزود.

عبدالحق بر تمام جوانب تاریخ اردو آشنا بود و در تألیفات خود به‌آن‌ها نگاهی عالمانه داشت. براسلوب و اندیشه فارسی، انگلیسی و هندی مهارت داشت و در غنی‌سازی و افزایش توانایی نثر اردو تلاش کرد و نیز در پاکستان جنبش به‌رسمیت شناختن زبان اردو را راه‌اندازی کرد. از هر نوع ادبی که بنگارد، زبان ساده و روان

خود را رها نمی‌کند و گاهی با زبانزد و محاوره‌ها بیان خود را می‌آراید. «وی سادگی را به صورت یک هنر ارائه داد. سخنرانی در کنفرانس‌های ادبی باشد یا رادیویی، مقاله‌ها در نشریه، مقدمه کتاب‌ها و غیره، این هنر دلنشین را در آن‌ها حفظ کرده و طراوات و شادابی را به متن اردو به ارمغان می‌آورد.» (سیدعبدالله، ۲۰۰۳: ۲۵۵).

وی در کتابچه، مقدمه‌ها و مقاله‌های خود یا مستقیم به بیان زبان اردو می‌پردازد یا در هر بابی که سخن بگوید، گریزی به آن زده و غیر مستقیم به شفاف‌سازی هویت آن می‌پردازد.

زبان ساده و روان آمیخته با زبان روزمره نثر عبدالحق به دهلی تعلق دارد که در آن واژه‌های فارسی، عربی و هندی دیده می‌شود. وی جامع و مختصر می‌گوید. «سادگی عبدالحق الهام از الطاف حسین حالی و سید احمدخان بوده و تنوع وی الهام از شبلی نعمانی است» (صدیقی، آمنه، ۱۹۶۲: ۶۱). نگارش و اسلوب عبدالحق نمونه بی‌نظیر در ادبیات اردوست که ضمن آراسته بودن به آرایه‌های ادبی، واژه‌آرایی، منیت، آهنگین بودن، سجع و دیگر زیبایی‌های کلام؛ ساده، روان، مختصر و دلنشین است.

نتیجه‌گیری

عبدالحق تمام زندگی خود را صرف حفظ، ترویج و غنی‌سازی زبان اردو کرد. با کشف متون کهن دکن، به سرمایه زبان اردو افزود و دریچه‌ای در برابر زبان‌شناس‌ها و مورخ‌ها

گشود. وی با تبلیغ و آگاهی، اهالی شبه قاره را نسبت به به‌کارگیری زبان اردو تشویق کرد و عزم خود را برای قانع کردن دولتمردان آن خطه به کار گرفت تا رسمیت زبان اردو را بپذیرند. با ارائه متون ادبی و خطبه‌های خود، آموخت که زبان خالص اردو غنی و زیباست و باید آن را از تهاجم زبان‌های دیگر حفظ کنند. خدمات وی از قبیل توسعه انجمن ترقی اردو، تأسیس مراکز آموزش اردو، ترجمه‌های متون زبان‌های دیگر به زبان اردو، گردآوری فرهنگ‌های لغت، دست‌نویسی، تدوین نسخه‌های خطی، سعی بر ترویج زبان اردو به عنوان زبان آموزش بسیار ارزنده است و تاکنون در تاریخ ادبیات اردو شخصیتی که تمام این اوصاف را یکجا در برداشته باشد، ظهور نکرده است. از آن چه در شرح تنوع تألیفات عبدالحق گذشت، درمی‌یابیم که فرمان فتح‌پوری بسیار به‌جا وی را تشبیه به «جواهر هشت ضلعی» کرده است. (فتح پوری، ۲۰۰۲: ۱۸۳). زبانی که امروز با عنوان «زبان اردو» در گونه‌های مختلف ادبی به‌کار گرفته می‌شود، زیر دین پژوهش‌هایی کسی است که به قول خودش اردو برای وی جایگاه خانواده‌اش را دارد. وی با شکوفاندن زبان اردو، سبب ارتقا وضعیت فرهنگی و اجتماعی مسلمان‌های شبه‌قاره هند شد. خدمات‌های ارزشمند مولوی عبدالحق به توسعه زبان اردو در تاریخ ادبیات اردو همیشه جاودان خواهد ماند. خطاب «بابای اردو» به‌راستی خطابی برانزده وی بوده است.

منابع

- اعجاز حسین، سید، مختصر تاریخ ادب اردو، لکھنؤ: سرفراز قومی پریس، ۱۹۶۵.
- بٹا لوی، عاشق حسین، «بابائے اردو»، در بابائے اردو مولوی عبدالحق، بہ کوشش سید معراج، لاہور: گنج شکر پریس، ۲۰۰۲.
- ثاقب، شہاب الدین، بابائے اردو مولوی عبدالحق حیات اور علمی خدمات، کراچی: انجمن ترقی اردو، ۱۹۸۵.
- حبیب خان، ایم۔ «مولوی عبدالحق اور انجمن ترقی اردو ہند کا دلی می نورود»، ۱۹۹۲۔ مولوی عبدالحق ادبی اور لسانی خدمات، بہ کوشش خلیق انجم، نئی دہلی: انجمن ترقی اردو.
- درانی، عطش، «اصطلاحات سازی: انجمن اور مولوی عبدالحق»، اخبار اردو، جلد ۱۹، شماره ۱، جنوری، اسلام آباد: مقتدرہ قومی زبان، ۲۰۰۳.
- زاہدی، سید مقصود، «بابائے اردو ٹاکٹر عبدالحق»، در بابائے اردو مولوی عبدالحق، بہ کوشش سید معراج، لاہور: گنج شکر پریس، ۲۰۰۲.
- سید عبداللہ، وجہی س ے عبدالحق تک، لاہور: سنگ میل پبلی کیشنز، ۲۰۰۳.
- شازیہ عنبرین، «بابائے اردو مولوی عبدالحق کی تدوینی خدمات»، اخبار اردو، جلد ۱۹، شماره ۱، جنوری، اسلام آباد: مقتدرہ قومی زبان، ۲۰۰۳.
- شجاع احمد، «مولوی عبدالحق اور اردو کالج کراچی»، در مولوی عبدالحق ادبی اور لسانی خدمات، جلد اول، چاپ خلیق انجم، نئی دہلی: انجمن ترقی اردو، ۱۹۹۲.
- صدیقی، آمنہ، افکار عبدالحق، کراچی: اردو اکی ڈمی سندھ ۱۹۶۲.
- صدیقی، شمس الدین، «تحقیق و تنقید»، در تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و ہند، دسویں جلد، اردو ادب (جلد پنجم)، لاہور: پنجاب یونیورسٹی، ۱۹۷۲.
- عبدالحق، مولوی، خطبات عبدالحق، مرتبہ: عبادت بریلوی، کراچی: انجمن ترقی اردو، ۱۹۵۲.
- خطوط عبدالحق بنام عبداللہ چغتائی، مرتبہ عبادت بریلوی، لاہور: یونیورسٹی کالج، ۱۹۷۶.
- مکتوبات بابائے اردو بنام پیر سید حسام الدین صاحب راشدی، در قومی زبان بابائے اردو نمبر، کراچی: انجمن ترقی اردو، جلد ۲۵، شماره ۸، ۱۹۶۵.
- فتح پوری، فرمان، «مولوی عبدالحق»، در بابائے اردو مولوی عبدالحق، بہ کوشش سید معراج نیر، لاہور: گنج شکر پریس، ۲۰۰۲.
- ہاشمی فرید آبادی، سید، پنجاہ سالہ تاریخ انجمن ترقی اردو، کراچی، ۱۹۸۷.
- ہاشمی، نصیر الدین، «ڈاکٹر مولانا عبدالحق اور دکھنیا»، در مجموعہ مطالعات عبدالحق، لاہور: گنج شکر پریس، ۲۰۰۳.